



کاربردشناسی شناختی واژه «زهد» در اشعار سبک عراقی (با تکیه بر نظریات دن اسپربر و دیدر ویلسون)

ونوس بابالو^{*1}

1- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
babalou_venus@yahoo.com *

چکیده

دو کاربردشناس مشهور انگلستانی به نام‌های «دن اسپربر» (Dan Sperber) و «دیدر ویلسون» (Dideran Wilson) معتقدند، بافتی که جمله‌ها در آن شکل می‌گیرند را باید برای تفسیر متن در نظر گرفت. آن‌ها اصل «ربط» را مطرح کردند که طبق آن شاعر یا نویسنده باید به میزان لازم به مخاطب اطلاعات دهد و این اطلاعات درست، بی‌ابهام و واضح باشد. پژوهش پیش روی با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و بازتاب واژه «زهد» در اشعار شاعران سبک عراقی، با رویکرد کاربردشناسی شناختی پرداخته است؛ هدف کلی این روش تبیین و تحلیل گفتمان عبارات در بافت زبانی است. اشعار شاعران سبک عراقی، با ساختاری متنوع و بافت زبانی صریح و غیرصریح، تلاش دارد به انتقاد از تزویر و ریا بشتابد و نقاب ریاکاری زاهدان و زاهدان را براندازد، در این راه استفاده از نظریاتی همانند کاربردشناسی به ویژه استعمال کارگفت‌های غیرمستقیم کمک شایانی در فهم دقیق‌تر این واژه، ایفا می‌کند. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که کارگفت‌های غیرمستقیم ریاکاری و رفتاری به عنوان یک ویژگی برای واژه «زهد» در نظر گرفته شده است. کارگفت رفتاری که شامل؛ تزویر، پنهان‌کاری، غرور، سستی و بی‌وفایی می‌شود با استفاده از تشبیه و نشانه‌های واژگانی و نموده‌ها، بیان شده است. کارگفت اصلی اشعار شاعران سبک عراقی، بیان غیرمستقیم به وسیله نشانه‌هاست، که از آن به عنوان یک حربه اصلی، برای بیان مفاهیم مورد نظر شاعران، استفاده می‌شود؛ اصل ربط در اشعار این شاعران نیز کاربرد فراوانی داشته و با زبانی صریح و روشن به بیان واژه «زهد» و خصلت‌های وی پرداخته‌اند.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل

دریافت: 10 اسفند 1401

پذیرش: 15 فروردین 1402

ارائه در سایت: 27 اردیبهشت 1402

کلید واژگان:

کاربردشناسی شناختی

کارگفت غیر مستقیم

اصل ربط

شاعران سبک عراقی

The cognitive usage of the word "asceticism" in Iraqi style poems (based on the ideas of Dan Sperber and Dider Wilson)

Venus Babalu^{1*}

1- Graduated with a master's degree in Persian language and literature
* babalou_venus@yahoo.com

Article Information

Original Research Paper
Received 2023-03-01
Accepted 2023-04-04
Available Online 2023-05-17

Keywords:

Cognitive utilitarianism
Indirect speech
The principle of connection
Iraqi style poets

Abstract

Two famous English utilitarians, Dan Sperber and Dideran Wilson, believe that the context in which sentences are formed should be considered to interpret the text. They put forward the principle of "relevance", according to which the poet or writer must provide the audience with the necessary information, and this information must be correct, unambiguous and clear. The present research has investigated and reflected the word "ascetic" in the poems of Iraqi style poets with a cognitive-utilitarian approach using descriptive-analytical method. The general purpose of this method is to explain and analyze the discourse of phrases in the linguistic context. The poems of the Iraqi style poets, with a diverse structure and explicit and implicit linguistic context, try to criticize hypocrisy and hypocrisy, and unmask the hypocrisy of Zahedan and asceticism. More precisely, this word plays. The result of this research indicates that the indirect expressions of hypocrisy and behavior are considered as a characteristic for the word "ascetic". Behavioral work that includes; Deception, concealment, pride, laziness and disloyalty are expressed using similes and lexical signs and expressions. The main work of the poems of the Iraqi style poets is indirect expression through signs, which is used as a main tactic to express the concepts intended by the poets; The principle of connection has been used a lot in the poems of these poets, and they have expressed the word "ascetic" and his characteristics with a clear language.

1- مقدمه

استفاده از مؤلفه‌های کاربردشناسی چون کنش‌های گفتاری (کارگفت) مستقیم و غیر مستقیم و اصل ربط (صریح و غیر صریح) به شناخت واژه «زاهد» در اشعار شاعران سبک عراقی، کمک خواهد کرد و درک مناسبی از این واژه را در پی دارد. بر این اساس، پژوهش پیش روی واژه زاهد را در اشعار شاعران سبک عراقی به یاری برخی مؤلفه‌های کاربردشناختی و میزان بسامدشان در متن بررسی کرده که تکیه اصلی آن بر موضوعات کاربردی یول و اسپربر؛ یعنی اصل ربط کاربردشناسی شناختی است؛ در واقع با این اصل، نگرش‌ها و اعتقادات سخنگو و مراتب درک سخنگو از جمله و دانش وی در شیوه استفاده از زبان برای تبادل اطلاعات مشخص می‌شود و با استناد به این رویکرد می‌توان به شناخت عمیقی، از این واژه رسید.

2- اهمیت و پرسش های پژوهش

امروز پیشرفت شاخه‌های متعدد نقد ادبی باعث شده تا واژه‌های کلیدی، مورد خوانش قرار گیرند و در پی این خوانش، رویکردها و رفتارهای این واژه‌ها در بافت جملات، از دیدگاهی نو شناخته شود. پژوهش حاضر تلاش دارد، تا روش استعمال، شاعران سبک عراقی و نیز انتقادهای آنان از خلق واژه‌های مفهومی و کلیدی، را از دریچه مطالعه نو مورد بررسی قرار دهد. پژوهش پیش روی در پی یافتن پاسخی مناسب به این پرسش است که: کدام یک از ویژگی‌های واژه «زاهد» در اشعار شاعران سبک عراقی، با تکیه بر مؤلفه‌های کاربردشناسی بیشتر محرز است؟ کارگفت‌های غیرمستقیم و اصل ربط در این اشعار چگونه بازتاب داشته است؟

3- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در کاربردشناسی شناختی انجام شده که عبارتند از مقاله‌های «ادب و هنر: معناشناسی، کاربردشناسی و نشانه‌شناسی متن» از اکو (1392) که تاریخچه این سه بحث و جنبه‌های کاربرد پراگماتیستی نشانه‌ها را بررسی کرده و بیش از تأکید بر پیام به روی متن تمرکز کرده است؛ «بررسی شخصیت مرگان در رمان جای خالی سلوچ با روش کاربردشناسی شناختی» از مهدوی (1392) که شخصیت مرگان را بر اساس نظریه ربط به بررسی کرده و نتیجه پژوهش یافتن شخصیتی به ندرت مستقیم، بی‌کنایه و صریح است، اما پژوهشی مبتنی بر کاربردشناسی شناختی واژه زاهد در اشعار شاعران سبک عراقی، صورت نگرفته است.

4- مبانی نظری بحث

پژوهش حاضر، واژه «زاهد» را بر اساس نظریه کاربردشناسی شناختی در اشعار شاعران سبک عراقی، بررسی و تحلیل کرده است که در این راستا با اختصار به دو مبحث مهم این فرایند: کارگفت و اصل ربط، اشاره کرده است.

4-1 کاربردشناسی شناختی

زبان نظامی قراردادی از نشانه‌هاست و نظام‌های نشانه‌شناختی ممکن است مجموعه‌ای از رنگ‌ها، علائم آوایی، نشانه‌های نوشتاری و ... باشند و دانش نشانه‌شناسی (Semiotics) نظام‌های نشانه‌ای را مطالعه می‌کند. زبان پدیده‌ای ایستا (Static) نیست، بلکه در بستر جامعه و تاریخ شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی مقوله‌ای اجتماعی است و ماهیت تاریخی دارد و در پیوند تنگاتنگ با ابعاد دیگر زندگی اجتماعی، چون فرهنگ، دانش و دین

کاربردشناسی (Pragmatism) شناختی از شاخه‌های زبان‌شناسی و «مطالعه معنی است؛ معنایی که گوینده (یا شاعر) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده) دریافت می‌کند. بنابر این، کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان (Utterance) سر و کار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند [18]؛ یعنی کاربردشناسی منظور افراد را در یک بافت خاص با نگاه به مخاطب، مکان، زمان و شرایط موجود بررسی می‌کند» بنابر این، کاربردشناسی بررسی معنی بافتی است و بررسی می‌کند که چه میزان پیام بیش از آن چه بر زبان آمده، انتقال یافته است [18]. یکی از بخش‌های مهم کاربردشناسی نقش شنونده در تعبیر کلام است؛ زیرا کاربرد زبان علاوه بر گوینده، شنونده را هم به عنوان قسمتی از بافت کلامی دربرمی‌گیرد [4]. نظریه کاربردشناسی همانند دیگر نظریه‌ها در گذر زمان دچار دگرگونی‌های گردیده و تحلیلگران و نظریه‌پردازان دیگری مانند ویلیام جیمز (Wiliam James)، جان آستین (John Austin)، سیرل (John Rogers Searele)، نیز در عرصه این دانش قلم‌فرسایی کرده و باعث پیشرفت و تغییرات چشمگیری در این عرصه شده‌اند و اسپربر و ویلسون در سال 1980 با الهام از فرضیه‌های گرایس به نظریه‌های جدیدی دست یافتند، چنان که کاربردشناسی را از زبان‌شناسی جدا و چونان شاخه‌ای مستقل معرفی کردند. این دو همانند گرایس معتقد بودند که از کاربردشناسی باید برای بررسی سخنان گوینده و به‌ویژه آن بخش از سخنانش که واضح نیستند بهره برد. اسپربر و ویلسون معتقدند که برای تفسیر گفته‌ها بافتی را که در آن شکل می‌گیرند نیز باید در نظر گرفت. آن‌ها اصل ربط را مطرح کردند که طبق آن گوینده باید به میزان لازم به مخاطب اطلاعات دهد و راست، بی‌ابهام و واضح سخن بگوید [19]. تحلیل و بررسی واژه‌ها، بر اساس نظریه‌های ادبی از موضوعاتی است که امروزه پیشرفت فراوانی داشته و واژه‌های کلیدی، به واسطه تأثیر عمیقی که در افکار به جای می‌گذارند از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. بیشتر مردم به محض شنیدن واژه «زاهد»، ابیاتی از حافظ را به خاطر می‌آورند؛ این شخصیت یا واژه، یکی از ارکان ساز و کار دینی و شرعی و ارکان نظارتی در زمان شاعران کلاسیک بوده است؛ در اشعار شاعران سبک عراقی به ویژه حافظ و خواجه کرمانی این واژه، دارای معنای دوپهلوی بوده است؛ گاهی مثبت و گاهی منفی. با اینکه شهود عرفانی و معرفت معنوی و تجربه روحانی یک امر کاملاً درونی و شخصی به شمار می‌آید، اما وقتی به شکل اندیشه مطرح شود و در قالب کلام انسانی بیان گردد، از حالت فردی و شخصی خارج می‌شود، بر جامعه بشری اثر می‌گذارد و متقابلاً از جامعه بشری اثر می‌پذیرد. بنابر این عرفان، تافته جدا بافته از جامعه نیست. حتی با یک نظر اجمالی به تاریخ تصوف و عرفان اسلامی، تأثیر اندیشه‌ها و اعمال مثبت و گاه منفی زاهدان و زاهدنمایان بر جوامع اسلامی و بالعکس تأثیر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و مذهبی، اعم از تغییر حکومت‌ها، به وجود آمدن فرقه‌های مختلف مذهبی، وفور اندیشه‌های فلسفی و کلامی، وارد شدن دین به عرصه سیاست و حکومت، آشنایی مسلمانان با آراء و عقاید سایر ادیان و مکاتب، همه و همه عواملی بودند که در طول تاریخ بر تصوف و عرفان اسلامی تأثیرات مثبت و منفی داشته‌اند. بدیهی است که واژگان و اصطلاحات تصوف و عرفان اسلامی مانند «زاهد»، «صوفی»، «عارف» و ... نیز متعاقب با این تغییرات، دچار تحولات معنایی شده و تعریف‌ها و طرز تلقی‌های محققان عرفان از این واژگان و اصطلاحات در طول تاریخ تصوف و عرفان اسلامی، متفاوت و حتی بعضاً متضاد با تعابیر و تعریف‌های گذشته باشد.

از آن چه نوشته شده، منتقل می‌کند)، اصل همکاری (نه زیاد بگوییم و نه کم، راست بگوییم و با دلیل محکم، بی‌ربط سخن نگوییم و سخنانمان واضح باشد)، کنش گفتاری مستقیم و غیر مستقیم (هر گاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه مستقیم باشد: کنش گفتاری مستقیم است و بالعکس) که یول نیز در کتاب کاربردشناسی زبان با صراحت به آن‌ها می‌پردازد [18]. اسپربر و ویلسون در سال 1980 به نظریه‌های جدیدی دست یافتند که کاربردشناسی را از زبان‌شناسی جدا و چونان شاخه‌ای مستقل معرفی کردند. این دو همانند گرایس معتقد بودند که از کاربردشناسی باید برای بررسی سخنان گوینده و به‌ویژه آن بخش از سخنان که واضح نیستند، بهره برد. اسپربر و ویلسون معتقدند که برای تفسیر گفته‌ها بافتی را که در آن شکل می‌گیرند، نیز باید در نظر گرفت. آن‌ها اصل ربط را مطرح کردند که طبق آن، گوینده باید به میزان لازم به مخاطب اطلاعات دهد و راست، بی‌ابهام و واضح سخن بگوید [17]. بر این اساس، واژه‌های مختلف از لحاظ ویژگی‌ها و تأثیراتی که بر اثر می‌گذارند، با استفاده از مؤلفه‌های کاربردشناسی شناختی بررسی و تحلیل می‌شوند و سعی اصلی این نظریه بر آن است که معنای جملات گفتمان را در شرایط و بافت زبانی تحلیل کند؛ یعنی گوینده یا شاعر باید به میزان لازم به مخاطب اطلاعات دهد و درست و بی‌ابهام سخن بگوید. صاحب اثر، واژه‌های کلیدی و اصلی اثرش را با استفاده از کاربردشناسی شناختی معرفی می‌کند و نشان می‌دهد، کدام یک از ویژگی‌های واژه‌هایش، بارزتر بوده و خواننده را به تأمل و تفکر واداشته است که طبق نظریه ویلسون و اسپربر کنش‌های گفتاری (کارگفت) و اصل ربط دو مبحث مورد بررسی در این پژوهش است.

4-2- کاربردشناسی واژه زاهد در شعر شاعران

زاهد در بیشتر اشعار شاعران سبک عراقی، فردی ظاهرین، متعصب، دارای رعونت و غرور، خشن و نظایر این ویژگی‌ها، معرفی شده است. این ویژگی‌ها جزو خصایص لاینفک زهد خشک و بی‌روح، به حساب می‌آید و بالطبع این خصوصیت‌ها از درون شخص زاهد به بیرون و رفتار او نیز سرایت می‌کند؛ مجموعه این امور، باعث شده تا زاهد در بافت اجتماعی جامعه نیز به عنوان شخصی عیب‌بین، متفرعن و مغرور و عبوس و ترشرو، شناخته شود. شاعران سبک عراقی، «زاهد» را با اصطلاحاتی با کاربست‌های مستقیم و غیرمستقیم مانند: زاهد عالی مقام- قومی که دردکشان می‌خندند و سرانجام ایمان خود را در سر کار خرابات می‌کنند- ریاکار و مزدور- شیخی که نان حلالش روز بازخواست، صرفه‌ای نمی‌برد، زاهد خرده‌گیر بر دردکشان، واعظ، فقیه مدرسه، محرک اینای عوام علیه عشاق و دردی‌کشان، واعظ شحنه‌شناس، زاهد ظاهرپرست، واعظی که صنعت بسیار در عبارت می‌کند، واعظ شهر که مهر ملک و شحنه‌گزیده است، صوفی شهر که لقمه شهبه می‌خورد، شیخ و فقیهی که باده می‌خورند، واعظ بیهوده‌گوی که بوی حق نشنیده است، مشایخی که اهل خدا و عاشق نیستند، قاضی درباری، واعظ بی‌عمل و... این گروه از واژگان که تعریفی، تقریباً مشابه دارند، از دید شاعران، زاهدان هستند و با او هیچ زاهد حقیقی، تفاوتی ندارند. این واژه، با کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیمی در شعر شاعران، ترسیم شده است؛ همانطور که اشاره شد، علت نامگذاری زاهد، با این ویژگی‌ها در اشعار، شاعران سبک عراقی، دارای کارگفت غیرمستقیم است که با استفاده از ویژگی‌های اصلی این واژه، برشمرده شده، غالب این ویژگی‌های شامل: خرده‌گیری، کارگفت طنز و مطایبه و تعداد دیگری که در بطن پژوهش به آن پرداخته

است. زبان موجودی اندام‌وار (Organic) است که ابزار و آلات و ادوات مختلفی دارد و در قالب یک نظام با یکدیگر در تعامل هستند و هدف و کارکردی را ایفا می‌کنند [15]. زبان‌شناسان در حدود قرن بیستم «زبان را به عنوان نظامی صوری یا منطقی برای بیان یافته‌های علمی مطالعه می‌کردند» [4]. اما فلاسفه «زبان را نظامی می‌دانند که در درجه نخست برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها استفاده می‌شود و به عقیده آنان شرایط اصلی کاربرد زبان این است که گوینده‌ای، پاره‌گفتاری را در بافتی خاص تولید و شنونده‌ای آن را تعبیر کند» [4]. زبان‌شناسی نوین در عمر نه چندان دراز خود مکاتب چندی را دیده است که یکی از این مکاتب کاربردشناسی شناختی است. فیلسوف آمریکایی، چالز موریس (Charles Morris) در سال 1938 رشته‌های مختلف بررسی زبان را به سه دسته نحو، معناشناسی و کاربردشناسی تقسیم کرد. اومبرتو اکو (Umberto Eco) فیلسوف نشانه‌شناس معاصر ایتالیایی با اعتقاد به لزوم بررسی نشانه‌ها بر اساس زمینه اجتماعی و فرهنگی‌شان، نظریه «نشانه‌پردازی ناکرانمند» را مطرح کرد؛ نظریه‌ای که فهم نشانه‌شناختی صحیح را در گرو ورود به ساحت اندیشه یک اثر جهت کشف ابعاد و جنبه‌های درونی آن می‌داند. او بر خلاف ساختارگرایان فرانسوی و امدار میراث فردینان دو سوسور، بیش از تمرکز بر جنبه‌های معناشناختی و مباحث هم‌نشینی و جانشینی، بر کاربرد پراگماتیستی (کاربردشناسی) نشانه‌ها و بیش از تأکید بر پیام بر متن متمرکز شد. در شرایطی که ساختارگرایان همواره با تأکید بر ساختار از بافت‌ها و شرایط گفتمانی، فرهنگی، اجتماعی و روانی غافل ماندند، اکو با گرایش به ابعاد پراگماتیک (کاربردشناختی) کوشید جنبه‌های معناشناختی و نحوی تحلیل نشانه‌ها را تکمیل کند و تا حد زیادی نیز موفق به انجام این امر شد [3]. از دیدگاه موریس، کاربردشناسی ارتباط بین نشانه‌ها و کاربرانش را بررسی می‌کرد و به مطالعه قیده‌های زمان و مکان و ضمائر اول شخص و دوم شخص محدود می‌شد. با این حال، کاربردشناسی در آن روزگار کلمه‌ای بیش نبود و هیچ پژوهشی در این راستا شکل نگرفت [18]. هنگامی که در سال 1955 جان راجر (John Rogers) سخنرانی‌های ویلیام جیمز را بیان می‌کرد، نمی‌دانست که شاخه جدیدی از علم زبان‌شناسی را پایه‌گذاری می‌کند. وی در حین مطالعاتش به مسأله‌ای پی برد که امروزه هم‌چنان معتبر است: «هر جمله کامل کاربردی دست کم یک کنش گفتاری دارد، او سه نوع کنش گفتاری را برشمرد: «کنش بیانی (همان عمل گفتن چیزی است)، کنش منظوری (همان کنش بیان یک صورت زبانی معنادار است) و کنش تأثیری (تأثیر یک گفته بر روی مخاطب است)» [18]. تمایز گفتار و منظور گوینده از ویژگی‌های مهم معنای کاربردی است که به آن تضمین کلامی می‌گویند. این مفهوم بخشی از معنای پاره‌گفت و معمولاً بسیار دور از معنای صریح آن است [4]. سیرل، فیلسوف آمریکایی از میان جانشینانش جان راجر تئوری آستین را از سرگرفت و در دو جهت گسترش داد: نیت‌ها و قراردادهای اذعان داشت، کنش‌های گفتاری همانند یک روش قراردادی برای بیان و تحقق نیت‌ها هستند. او تنها به کنش‌های منظوری می‌پرداخت و هیچ تمایلی به کنش‌های بیانی نداشت و شرایطی را که کنش منظوری بر حسب آن با شکست یا موفقیت صورت می‌گیرد، بررسی می‌کرد و بدین ترتیب طبقه‌بندی جدیدی از کنش‌های منظوری ارائه داد [17]. در ادامه فعالیت‌های آستین و سیرل، تعدادی از زبان‌شناسان که به ادغام زبان‌شناسی و کاربردشناسی تمایل داشتند، وارد عرصه شدند و مباحث مهمی را مطرح کردند: پیش‌انگاشت (موضوعی که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای گفته‌اش صحت دارد)، ارجاع به ماقبل (همان ارجاع‌های ثانویه‌اند به مصداق‌های معرفی‌شده قبل از خودشان)، تضمین (وقتی جمله پیامی افزون‌تر

شاعران، به ویژه شاعران سبک عراقی، خرده‌گیری و تجسس در کار عارفان و دیگر زاهدان راستین است. «زهد، زاهد خام یا به جهت خوف از عقاب دوزخ و یا به خاطر تمتع از نعمات بهشت و در واقع ترک دنیا برای فلاح و صلاح آخرت است؛ در حالی که زهد عارف و صوفی به جهت تقرب به حق و تمتع از محبت و عشق اوست و به عبارتی عارف (صوفی)، دنیا و آخرت هر دو را ترک می‌گوید تا به وصال حق برسد» [12]. با توجه به این توصیفات، عبادت و زهد زاهد از نوع عبادت بردگان و تاجران و عبادت عارف، عبادت آزادگان است، در واقع زاهد هیچوقت از بند و حجاب حظ نفس رها نخواهد شد و از عالم حس و خیال فراتر نخواهد رفت؛ چرا که اعراض از دنیا برای رهایی از عذاب دوزخ و رسیدن به نعمت بهشت از حظ نفس است در صورتی که زاهد راستین، چه دنیوی و چه آخروی، از عالم حس و خیال عبور می‌کند و غیرحقیقی نمی‌بیند.

نشاط زاهد از انواع طاعت است و ورع

صفای عارف از ابروی نیکوان دیدن

(سعدی، 1365: 584)

در این بیت با استفاده از نشانه‌های واژه‌های همانند «نشاط»، «طاعت و ورع» می‌توان، پی برد که نشاط حقیقی زاهد در پرهیزکاری و دوری از هر گونه عمل تزویرانه‌ای است. در مکتب کاربرد شناسی که زیرمجموعه زبان‌شناختی است؛ توسل واژه‌ها یا به اصطلاح هم‌نشینی واژه‌ها، باعث ایجاد نوعی شناسایی در بطن واژه کلیدی می‌شود. موشکافی واژه‌های به کار رفته، در پیش و پس واژه، به خواننده کمک می‌کند، تا معنای حقیقی واژه را دریابد. در بیت بالا، شاعر با استفاده از واژه‌های غیرمستقیم، توانسته معنای ریاکار بودن واژه «زاهد» را برای خواننده باز نماید. اساس مکتب عارفان، رهایی از خودی و انانیت است و اظهار انانیت حتی با تمام تقوا و زهد، امری ناپسند است. این ظاهر ریاکارانه، رویکردی برای بیان واژه زهد، در اشعار شاعران سبک عراقی است. «زاهد از شخصیت‌های مشهور و منفی و دوست نداشتی شعر حافظ است که به صورت واعظ و شیخ و فقیه و مفتی و قاضی و ... نیز از او یاد می‌شود» [7]. در واقع «زهد به تنهایی یا به صورت ترکیبات زهد ریا و زهد خشک و زاهد و زاهد ظاهرپرست مکرر در دیوان حافظ آمده. کلمه زهد 22 بار در دیوان حافظ به کار رفته است» [11]. در بیت زیر، حافظ، تلاش دارد با نگاهی انتقادی زهد ریاکارانه زاهد را پشت نقاب، بسیاری از واژه‌ها بارور کند و غیرمستقیم، به گوش خواننده برساند که این واژه «زاهد» دارای معنای غیرحقیقی است.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست

راهرو گر صد هنر دارد توکل بابدش

(حافظ، 1367: 240)

این ریاکاری نسبت به جاه و مقام در بیت زیر با استناد به بیانی غیرمستقیم و با استعمال واژه‌های همانند «زاهد عالی مقام» به بیان خصلت ریاکاری زاهد پرداخته است؛ در واقع «عالی مقام» بودن این واژه، طبق قاعده هم‌نشینی واژه‌ها، بازگو کننده ویژگی‌های واژه هسته یا همان «زاهد» است.

راز برون پرده ز رندان مست پرس

کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

(همان: 92)

می‌شود. واژه «زاهد» در اشعار شاعران سبک عراقی، از شخصیت‌های منفور، مشهور و دوست نداشتنی است که همواره در حال ریا و پنهانکاری است. است؛ واژه «زهد» به تنهایی و یا به ترکیبات زهد و ریا، زهد خشک، زاهد ظاهرپرست، مکرراً تکرار شده است. البته زاهد و واژه «زهد» دارای دورویه متفاوت است؛ زاهد راستین و زاهدی که کج‌اندیش و دورو است. کاربردشناسی واژه «زهد» کمک می‌کند تا درک درستی نسبت به این واژه رسید و اصل نام‌شناسی، این واژه، کمک می‌کند تا به ریشه‌های عمیقی به شناخت این واژه رسید.

3-4- مؤلفه‌های کاربردشناسی

نظریه کاربردشناسی مؤلفه‌های چندی دارد که پژوهش حاضر دو مورد آن را شامل: کارگفت (مستقیم و غیر مستقیم) و اصل ربط مطابق نظریه اسپریر و ویلسون در کانون نگاه خود داشته و واژه «زاهد» را بر این اساس بررسی و تحلیل کرده‌است. آستین اولین نظریه‌پرداز کارگفت بود، وی کاربردهای زبان را اصطلاحاً «کارگفت» می‌نامید، اگر چه در ابتدا فرضیه کنشی نام داشت و بر این اساس، جملات کنشی را به راحتی می‌توان از سایر جملاتی که برای انتقال اطلاعات به کار می‌روند، تشخیص داد [4]. کنشی که در نتیجه گفتار باشد به گوینده کمک می‌کند تا با گفتن یک جمله یا یک پاره گفتار عملی را به انجام رساند. نظریه کنش گفتار یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های مطالعات کاربردشناسی زبان را تشکیل می‌دهد و با بررسی و پرداختن به نقش زبان در ارتباط‌های اجتماعی می‌تواند در تحلیل متون ادبی و دراماتیک ابزاری منسجم و درخور توجه باشد. کنش‌های گفتاری همانند یک روش قراردادی برای بیان و تحقق نیت‌ها هستند و «فیلسوفان بر این باور بوده‌اند که زبان به کار گرفته می‌شود تا جهان را بازنمایی کند؛ یعنی نشان دهد که چه هست و چه نیست و به همین دلیل حقیقت مفهوم مرکزی فلسفه زبان بوده‌است. در چنین مواردی، گفتن برابر با کنش است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد» [9]. در این حالت گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری از محتوای دیگری نیز برخوردار است. در واقع هنگامی که از گفتارهای غیر مستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت‌اللفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یکسری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال‌ها بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیر زبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به دانستن آداب گفتاری اشاره کرد [8]. کنش به طور کلی به دو دسته کنش مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود: الف) کنش گفتاری مستقیم؛ یعنی هر گاه میان معنای جمله و معنای مقصود گوینده مطابقت وجود داشته باشد. ب) کنش گفتاری غیر مستقیم؛ یعنی مطابقتی میان معنای مقصود گوینده و معنای جمله وجود ندارد. مثلاً گوینده می‌گوید «هوا سرد است» اما منظورش اینست که «پنجره را ببند» [8]. مهم‌ترین بخش تئوری کنش گفتاری که مورد نظر اسپریر و ویلسون بوده مربوط به کنش‌های گفتاری غیر مستقیم است. تحقق این کنش زمانی است که جمله حاوی شاخص‌های توان منظوری یک کنش گفتاری، برای تحقق کنش منظوری دیگری استفاده شود [8]. آنچه در این پژوهش بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است، تأثیر نشانه‌های کنشی بر ساختار واژه «زاهد» در اشعار شاعران سبک عراقی است؛ این بازنمایی در اشعار حافظ بیشتر از شاعران دیگر نمود داشته است. زاهد، معرف اصلی تمامی پنهان‌کاری‌های زمان است؛ آدمی که خود در پنهان تمام منکرات و مناهی را انجام می‌دهد ولی در ظاهر به دروغ روراستی را پیشه می‌کند. کارگفت اصلی زاهد در اشعار

کارگفت غیرمستقیم ویژگی‌های رفتاری باعث شده تا با قراردادن واژه‌های که مبین یک رفتار خاص هستند، بتوان، واژه‌های همانند زاهد را به خواننده، معرفی کرد. در نمونه زیر با استناد به شبه جمله (ترکیبی از واژه‌هاست): «بوی حق نشنید»، می‌توان پی‌برد که زاهد اهل عشق و حقیقت راستین نیست:

واعظ ما بوی حق نشنید بشو کاین سخن

در حضورش نیز می‌گویم نه غیبت می‌کنم

(همان: 63)

این ویژگی کارگفت غیرمستقیم با واژه‌های همانند: «مغرور»، «کافر» می‌توان، به شناخت کافی درباره خودبینی و غرور زاهد پی برد:

زاهد مغرور اگر در کعبه باشد فاجرست

وانکه اقرارش به بت‌رویان نباشد کافرست

چون توانم کز حضورش کام دل حاصل کنم

کان زمان از خویش غائب می‌شوم کو

زنده دل آن کشته کو جان پیش چشمش داده است

تندرست آن خسته کو بر درد عشقش صابرست

شاعران با توجه به کارگفت غیرمستقیمی همانند ویژگی‌های اخلاقی که برای زاهد برشمرده‌اند، باعث شناخت معنای هر چه بهتر، این واژه شده‌اند. نشانه‌های که در این بیت‌ها، به صورت غیرمستقیم، بازگو کننده ویژگی‌های واژه، زاهد شده است؛ امری مبرهن است که توسط، شاعر برای شناخت بیشتر این اصطلاح به کار رفته است. طنز، زبان رمزی شاعران در بیان و بررسی واژگان کلیدی، اشعارشان است؛ این شیوه بیان برای شاعران، ابزاری کاربردی است که بتواند واژه دور و منفور زاهد را با بیانی غیرمستقیم به تصویر بکشد. نمونه‌ای از این کاربرد، بیتی از حافظ است که در آن، شاعر برای نشان دادن، خشونت امیر مبارز الدین، نمی‌تواند اصل ربط (کارگفت مستقیم) را به کار ببرد، پس چاره‌ای جز فریاد اعتراض و طعن و تمسخر گشودن بر فقها، واعظ، مفتیان و زاهد ندارد:

راز درون پرده ز رندان مست پرس

کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

(همان: 92)

این بیان با استناد به کنایه و طنز، توانسته رفتار محتسب را به طور غیرمستقیمی مورد انتقاد قرار دهد:

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

(همان: 5/26)

استفاده از زبان طعن و تمسخر از راهکارهای اصلی شاعران، برای بیان احوال خویش است؛ این کارگفت باعث شده تا ویژگی‌های محتسب که به عنوان یک چهره منافق (زاهد) معرفی گردد؛ در بیت زیر، واژه «زاهد» در لفافه‌ای از کنایات معرفی شده است.

بنده پیر خراباتم که لطفش دایم است

زهد ریاکارانه که یک نفاق و دورویی بوده و جز تظاهر به زهد چیزی در درون خود نداشته، حقیقتاً از دنیا رویگردان شده و از تکلیف اصلی خویش بازمانداست. زاهد، فکر می‌کند با محروم ساختن خود از دنیا می‌تواند به کمال برسد و البته، شاعر، آن را زهد خشک و کج اندیشه می‌داند و عقیده دارد که نه اهل عشق است و نه اهل ایمان و علم؛ جلوه فروش و دین به دنیا فروش است صفاتی که در شعر حافظ برای زاهد می‌توان یافت از این قرار است؛ در این بیت، آنچه برای واژه «زاهد» اختصاص یافته، واژه «غرور» است. این واژه، باعث می‌شود تا واژه‌های دیگری همانند «راه نبردن»، «راه نیاز» خلق شود و به صورت غیرمستقیم، عقب ماندن زاهد مغرور را از کمال حقیقی نشان دهد.

زاهد غرور داشت سلامت نبر راه

رند از راه نیاز به دارالسلام رفت

(همان: 56)

در بینش اصیل عرفانی، زهد حقیقی و واقعی، مقدمه‌ای برای سلوک الی الله و رسیدن به مقام تسلیم و فنا در حق است؛ زاهد برخلاف صوفی یا عارف، باید مقامات و مراتبی را طی کند تا به مقام والا در معرفت دست یابد؛ مولانا در این باره می‌فرماید:

جان شرع و جان تقوا عارف است

معرفت آن کشت را رویدن است

(مولانا، 1363، 6/2091)

از سخن مولانا مشخص است که زاهد راستین، باید معرفت را از طریق زهد و ریاضت پیشینش یاد بگیرد و این زهد نتیجه مقدماتی از راه و سلوک است که طی کرده است. آن چه مولانا با تکیه به واژه «زهد» خواسته بیان کند، معرفت راستینی است که از طریق رفتار حاصل می‌شود؛ نشانه‌های که در این بیت مشخص شده: «کاشتن»، «کوشیدن»، «محصول» و «جان» است که با بیانی غیرمستقیم، به شرح هدف غائی که همان «معرفت» است حاصل می‌شود. این واژه‌ها، به مانند زنجیره‌ای از رفتارها هستند که شخص زاهد باید به آن عمل کند تا راه معرفت را بیابد. کارگفتی که در اینجا نقش قاعده هم‌نشینی را ایفاء می‌کند، غیرمستقیم و در پشت ویژگی‌های رفتاری، پنهان شده است. این ویژگی‌ها، نه تنها خواننده را در حالت، تعلیق قرار می‌دهد بلکه باعث شناخت و درک عمیقی به کلید واژه «زهد» نیز می‌گردد.

استفاده از تشبیه، به عنوان کارگفت غیرمستقیمی، می‌تواند نتیجه بهتری را در ذهن خواننده شکل دهد؛ این امر را مولانا در ترسیم، سیر و سلوک زاهدانه، زاهد به تصویر کشیده است:

زاهد با ترس می‌تازد به پا

عاشقان پرآن تر از برق و هوا

(همان، 5/2192)

استفاده از ویژگی‌های اخلاقی برای بیان ویژگی‌های زاهد، دربرگیرنده کارگفت غیرمستقیمی است که واژه «زهد» را بهتر به خواننده، شناسانده است؛ این ویژگی‌ها به صورت‌های متفاوتی همانند بی‌وفا و سست پیمان:

بنده پیر خراباتم که لطفش دائم است

ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

(حافظ، 1367: 54)

(همان: 1-5/283)

ورنه لطف شیخ و زاهد، گاه هست و گاه نیست

(همان: 10/71)

4-4- اصل ربط

اسپربر و ویلسون بر این اعتقادند که افراد باید مطابق اصل ربط، صریح و واضح منظور خود را برسانند که این نظریه برخاسته از نظریه گرایس است. کلام ما باید مرتبط با موضوع باشد و اگر کلام ما غیر مرتبط با موضوع باشد، علتش اراده پاسخ غیر صریح است یا به مخاطب بگوییم، مایل به ادامه بحث نیستیم بلکه اراده کردیم، موضوع بحث را عوض کنیم. در واقع گاهی اوقات، شرایطی فراهم می‌شود که کنش‌های گفتاری مستقیم یا غیر مستقیم موفقیت‌آمیز نمی‌شوند و به این اتفاق در اصطلاح عدم توفیق در ارتباط گفته می‌شود. منظور از عدم توفیق در ارتباط این است که مخاطب بخشی از گفتار و یا تمام آن را درک نکند؛ یعنی هدف ارتباطی گوینده به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد و یا بخشی از آن تحقق می‌یابد [8]. به عنوان مثال، اگر گوینده سوال کند که «شما ساعت ندارید؟» و مخاطب در پاسخ به جای گفتن زمان، بگوید: «دارم» در این گفت‌وگو مخاطب تقاضای گوینده را به عنوان سوال برداشت کرده است و در اصطلاح عدم توفیق در ارتباط کلامی رخ داده است [8]. در واقع کاربرد کنایه و مجاز و استعاره در اشعار شاعران می‌تواند به صورت غیرصریح حق مطلب را ادا کند، همین امر اغلب باعث درک نادرست شنونده یا منتهی به برداشت متفاوت وی گردد. [6] ولی اسپربر و ویلسون بر این عقیده هستند که کاربرد واضح و درست قالب‌های گفتاری می‌تواند کمک شایانی به مطلب کند. شاعر مطلبی را بیان می‌کند و شنونده چیز متفاوتی از آن را برداشت می‌کند؛ این امر باعث ایجاد گنگی در مطلب و گاهاً برداشت نادرست و اشتباه خواننده می‌شود؛ بنابراین با تکیه بر اصل ربط می‌توان منظور شاعر را بدون هیچ شاخه و برگه به گوش شنونده رساند و ویژگی‌های شخص یا عامل را به خوبی و به دور از هر گونه قالب غیرصریحی معین کند [8].

در اشعار شاعران سبک عراقی، زاهد گاهی، مظهر تزویر معرفی شده است؛ با وجود اینکه حافظ زبانی ایهامی دارد و با بیانی غیرمستقیم مفهوم خویش را انتقا می‌دهد در بعضی ابیات تحمل را بر نمی‌تابد و با زبانی گویا و واضح به انتقاد برمی‌خیزد؛ در این ابیات حافظ، اصل ربط را رعایت می‌کند و زبان آکنده از ایهامش را به فراموشی می‌سپارد.

من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه آنک

مغیچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف

بی‌خبرند زاهدان نقش بخوان و لا تقل

مست ریاست محتسب باده بده و لاتخف

صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد

پاردمش دراز باد آن حیوان خوش علف

(همان: 296)

زاهد (محتسب) علاوه بر مستی ریاست، مست شراب نیز هست؛ البته آنچنان در این امر ریاکار است که کسی به این ماجرا پی نبرده است؛ البته اگر هم می‌دانست، نمی‌توانست درباره آن سخن بگوید، جز حافظ که با زبانی صریح و روشن او را به یاد انتقاد گرفته است:

سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن

ای ساروان فروکش کاین ره کران ندارد

به طعنه سخن گفتن با مشایخ و اعتراض نسبت به حاکمان شهر، از راه‌های است که حافظ برای بیان افکارش استفاده برده است؛ کارگفت غیرمستقیم در بیت زیر باعث انتقاد نسبت به حاکمان و به ویژه محتسب (زاهدنماها) است:

که در مشایخ شهر این نشان نمی‌بینم

(همان: 4/358)

طنزآفرینی از روش‌های غیرقابل انکار شاعران در بیان افکار و اندیشه‌هایش است، این کارگفت غیرمستقیم به وی اجازه می‌دهد تا اندیشه‌های متناقض با معنای راستین واژه را بروز دهد؛ در این قالب اشعار، محتسب (زاهدنما) شخصی بی‌کفایت است که خواسته‌های انسان‌های ضعیف را دارد:

این تقوی ام تمام که با شاهدان شهر

ناز و کرشمه بر سر منبر نمی‌کنم

صوفی پیاله پیم، حافظ قرابه پرهیز

ای کوتاه‌آستینان، تا کی درازدستی؟

محتسب نمی‌داند این قدر که صوفی را

جنس خانگی باشد همچو لعل رمانی؟

ای دل، طریق رندی از محتسب بیاموز

مست است و در حق او کس این گمان ندارد

با محتسبم عیب مگویند که او نیز

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است!

(همان: 134)

شاعران سبک عراقی، در موارد فراوانی، اعمال زاهدان و محتسب را ریاکارانه معرفی کرده است؛ شعر این شاعران، نقد جامعه‌ای است که در آن فاصله میان ادعا و عمل بسیار زیاد است و ریاکاری و تظاهر به رعایت شرع، جایگزین همه ارزش‌های اسلامی و اخلاقی شده است؛ به عبارت دیگر، دین به صورت پوستی بدون مغز درآمده است.

بیشتر شاعران سبک عراقی از جمله حافظ، معتقد است که عاقبت بد و شومی در انتظار محتسب (زاهد) است؛ این امر را با استفاده از کاربست غیرمستقیم بیان کرده است:

سحر ز هائف غییم رسید مژده به گوش

که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند

هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

به صوت چنگ بگوییم آن حکایت‌ها

که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش

شراب خانگی ترس محتسب خورده

به روی یار بنوشیم و بانگ نوشانوش

ز کوی میکده دوشش به دوش می‌برند

امام شهر که سجاده می‌کشید به دوش

چنگ خمیده قامت می خواندت به عشرت

بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد

ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز

مست است و در حق او کس این گمان ندارد

(همان: 126)

در بعضی اشعار، چهره زاهد با استعمال، واژه های نشان از سخنان و افکار بی پرده اوست که به صورت واضح و روشن، به تصویر کشیده شده است:

زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد

از سر پیمان گذشت با سر پیمان شد

صوفی مجلس که دی جام و قدح می شکست

باز به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد

شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب

باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد

مغیچه ای می گذشت راهزن دین و دل

در پی آن آشنا از همه بیگانه شد

آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت

چهره خندان شمع، آفت پروانه شد

(حافظ، 1367: 67)

در این اشعار، استفاده از واژه های همانند: «به میخانه شدن»، «از سر پیمان شدن»، «جرعه می» باعث شده تا شناخت بهتری نسبت به واژه «زاهد» در اشعار حافظ دست یافت. سعدی، در بیت های زیر اعتقاد دارد که زهد واقعی فایده ای ندارد و باید به می پناه برد. البته سعدی با استناد به واژه های آشکاری زاهد را فردی ظالم دانسته که با عاشق، همواره در حال جنگ است.

ساقی بده آن شراب گلرنگ
مطرب بزن آن نوای بر چنگ
کز زهد ندیده ام فتوحی
تا کی زرم آگینه بر سنگ
خون شد دل من ندیده کامی
الا که برفت نام با ننگ
عشق آمد و عقل همچو بادی
رفت از بر من هزار فرسنگ
ای زاهد خرقه پوش تا کی
با عاشق خسته دل کنی جنگ
گرد دو جهان بگشته عاشق
زاهد بنگر نشسته دلتنگ
من خرقه فکنده ام ز عشقت
باشد که به وصل تو زرم چنگ
سعدی همه روز عشق می باز
تا در دو جهان شوی به یکرنگ
(سعدی: 143)

شاعر با زبانی آشکار و واضح اذعان دارد که برای محتسب (زاهد) هیچ ریاکاری انجام نمی دهد و محتسب از همه انتقادهای وی اطلاع دارد. این موضوع می توان همان اصل ربط باش که حافظ توانسته با زبانی بدون رمز از آن پرده بردارد.

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم

محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

من که عیب توبه کاران کرده باشم بارها

توبه از می وقت گل دیوانه باشم گر کنم

عشق در دانه ست و من غواص و دریا میکند

سر فرو بردم در آن جا تا کجا سر برکنم

(همان: 346)

5- نتیجه گیری

کاربردشناسی از یافته های جدید علم نقد است که به بررسی بافت زبانی و ساختاری یک متن می پردازد. اسپربر و ویلسون معتقدند که برای تفسیر گفته ها بافتی را که در آن شکل می گیرند، نیز باید در نظر گرفت. آن ها اصل ربط را مطرح کردند که طبق آن، گوینده باید به میزان لازم به مخاطب اطلاعات دهد و راست، بی ابهام و واضح سخن بگوید.

پژوهش حاضر به بررسی و بازتاب واژه «زهد» با رویکرد کاربردشناسی پرداخته است؛ در این پژوهش کارگفت های غیرمستقیمی همانند: کارگفت رفتاری که شامل؛ تزویر، پنهان کاری، بی وفایی و سست پیمانی، نبود عشق، در لفافه ای از تشبیهات و کارگفت های غیرمستقیم پنهان شده است. کارگفت اصلی شاعران سبک عراقی، کارگفت طنز است که به عنوان یک حربه اصلی، دستاویزی برای بیان مفاهیم مورد نظر شاعر است؛ کارگفت دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ نام شناسی زاهد و دلیل نامگذاری وی است. شاعران برای شناسایی واژه «زهد» از کارگفت های غیرمستقیم که شامل عبارت های کنایه ای و غیر صریح در قالب موضوعاتی متفاوت است بهره برده است و به طور کلی بر اساس نظریه کاربردشناسی شناختی هدف غایی شاعر تبیین ریاکاری و پنهان کاری زاهد و شناسایی بهتر این واژه برای مخاطب است. اصل ربط با استفاده از عبارت های صریح و روشن، توانسته مشخصه های اصلی واژه «زهد» را آشکار کند و دید خواننده را نسبت به این واژه تغییر دهد و معنای تازه ای به آن ببخشد.

6- منابع

- [1] اخوت، احمد، دستور زبان داستان، اصفهان: فردا، (1371).
- [2] اسدی، سعید، فرهنگ، فرید، نشانه شناسی نام شخصیت های نمایشی در نمایش نامه مرگ فروشنده، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی، ش 39، (1389)، صص 23-13.
- [3] اکو، امبرتو، «ادب و هنر: معناشناسی، کاربردشناسی و نشانه شناسی متن»، ترجمه محسن عباس زاده، اطلاعات حکمت و معرفت، سال هشتم، ش 3، (1392)، صص 37-43.
- [4] چپمن، شیوان، از فلسفه به زبان شناسی، ترجمه حسین صافی، چاپ اول، تهران: گام نو، (1384).
- [5] حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، تصحیح قزوینی - غنی، به کوشش عبدالکریم جریزه دار، چاپ اول [تهران: اساطیر، (1376)].
- [11] حامدی شیروانی، زهرا، تأثیر مؤلفه های واژگانی بر میزان صراحت یا پوشیده گویی در متون مطبوعاتی، مطبوعات، ش 25، (1393)، صص 172-196.
- [12] خرمشاهی، بهاء الدین، حافظنامه، ج 1 و 2، تهران: علمی و فرهنگی، (1380).
- [13] دست آموز، سعیده، محمدی، محمد رضا، بررسی تأثیر کنش های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت و گو از منظر زبان روسی، جستارهای زبانی، ش 1، (1393)، صص 39-57.
- [14] زرقانی، سید مهدی، اخلاقی، الهام، تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار، فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال سوم، ش 6، (1391)، صص 62-80.
- [15] سعدی، مصلح الدین بن عبدالله، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، (1365).
- [16] صدیقیان، مهین دخت، فرهنگ واه نمای حافظ، تهران: سخن، (1383).
- [17] عزالدین کاشانی، محمودین علی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، به تصحیح استاد علامه جلال الدین همایی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه هما، (1376).
- [18] غنی، قاسم، تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حاضر (ج 2)، چاپ هشتم (ویرایش جدید)، تهران: زوار، (1380).

- [19] ماوردی، ابوالحسن، احکام السلطانیه، ترجمه حسین صابری، با عنوان آیین حکمرانی، تهران: علمی و فرهنگی. (1383).
- [20] معموری، علی، دانش زبان شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی، علوم قرآن و حدیث: قرآن و علم، ش 1، (1386)، صص 161-176.
- [21] مولوی (مولانا)، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی (دوره 4 جلدی)، به تصحیح رینولد. ا. نیکلسون، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، چاپ اول، تهران: امیر کبیر. (1363).
- [22] مهدوی، فهیمه، اسفندیاری، مهناز، بررسی شخصیت مرگان در رمان جای خالی سلوچ با روش کاربرد شناسی شناختی، کتاب ماه ادبیات، ش 75، (1392)، صص 62.56.
- [23] یول، جرج، (1389)، کاربرد شناسی زبان، ترجمه محمد مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ چهارم، تهران: سمت. (1389).
- [24] Caron, J. Les Regulations du discours psycholinguistique et pragmatique du langage. Paris: PUF.(1983).